

## بسم الله الرحمن الرحيم

### ادامه بیان مقام دوم

بیان شد که بعد از پذیرش عدم دلالت صیغه امر به صورت وضعی و اطلاقی بر فوریت، بعضی از علماء ادّعا نموده اند که می توان از طریق قرائن عامّه و ادلّه خارجیه اثبات نمود که شارع مقدّس در اوامر شرعیّه، وجوب فوری را اراده می نماید و در این راستا به ادلّه ای استناد نموده اند. دلیل اوّل آنها تمسّک به آیاتی است که به اعتقاد ایشان دلالت بر فوریت داشت. یکی از آیات مورد استناد آنها آیه شریفه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»<sup>۱</sup> می باشد، به این تقریر که امر ظهور در وجوب دارد و یکی از مصادیق بارز خیرات، انجام مأمور به می باشد. لذا آیه شریفه دلالت بر وجوب فوریت در جهت انجام مأمور به می نماید. در ادامه به نقد استدلال به آیه مذکور و پاسخ از آن می پردازیم.

### نقد استدلال به آیه سوم

تمام وجوه پنجگانه ای که در مقام نقد استدلال به آیه مسارعة ذکر گردید و همچنین پاسخ هایی که از آنها ارائه شد، در مورد استدلال به آیه استباق نیز قابل طرح بوده، همچنانکه مطرح نیز شده است<sup>۲</sup> و تنها تفاوت این آیه با آیه مسارعة در آن است که در این آیه، متعلّق امر، خود خیرات بوده و نیازی به تقدیر اسباب نداریم، چون خیرات یعنی افعالی که مربوط به مکلفین می باشند.

علاوه بر وجوه مذکور، وجه دیگری نیز در خصوص نقد استدلال به این آیه شریفه مطرح شده است و آن اینکه استباق به معنای سعی در پیشی گرفتن شخصی از شخص دیگر در امری می باشد و به تعبیری به معنای مسابقه در انجام یک امر خیر است که به صورت مشترک از اشخاصی خواسته شده و این اصطلاح از نگاه عرف، در جایی به کار گرفته می شود که مطلوب موضوعی باشد که از اشخاص متعدّد خواسته شده در انجام آن بر یکدیگر سبقت بگیرند مثل ساخت مدرسه، مسجد و امثال آن. لذا آیه به بحث ما که مربوط به فوری بودن هر یک از افعال مأمور به برای هر فرد از مکلفین به تنهایی است، ربطی ندارد.<sup>۳</sup>

### پاسخ استاد معظم

بیان فوق در صورتی صحیح است که استباق به معنای ظاهری خود یعنی «ابتدار و مسابقه» باشد، ولی اگر به معنای «سابقوا و بادروا» باشد، در دلالت تفاوتی با «سارعوا» نخواهد داشت.

۱ - بقره/۱۴۸ و مائده/۴۸.

۲ - مثلاً محقّق خویی در محاضرات فی اصول الفقه، جلد ۲، صفحه ۲۱۴، وجوه نقد را نسبت به هر دو آیه بیان می نمایند.

۳ - مثلاً مرحوم شهید صدر در بحوث فی علم الاصول، تقریرات مرحوم عبد الساتر، جلد ۴، صفحه ۳۹۴ می فرمایند: «الوجه الرابع: إنّ آیه الاستباق، لیست ظاهرة بالإلزام بالفورية، لکنّکة مادة الاستباق فإنّ الاستباق لیس بمعنی الإسراع، بل بمعنی التسابق بین الأشخاص أنفسهم، من قبیل، و فی مثل هذا فلیتنافس المتنافسون، بمعنی أنّ القرآن الکریم يجعل تنافسا بین المؤمنین لیتسابقوا فی إحراز أكبر قدر ممکن من الخیرات کما و کیفا و زمانا».

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»... استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری مدّ ظلّه العالی

ابن منظور در معنای فَاسْتَبَقُوا الْخَيْرَاتِ می گوید: «ای بادرُوا الیهَا». و در ذیل آیه شریفه فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ<sup>۴</sup> هم می گوید: «ای جاوزوه» و در ادامه به نقل از ازهری می گوید: «استباق در قرآن به سه معنای مختلف استعمال شده است: در آیه ای می فرماید إِنَّا دَهَبْنَا نَسْتَبِقُ<sup>۵</sup> و معنای آن این است که در تیر اندازی سبقت گرفتیم و پیروز شدیم؛ و در آیه دیگر می فرماید وَاسْتَبَقَا الْبَابَ<sup>۶</sup>، به معنای آن است که یوسف و زلیخا در جهت رفتن به سمت درب، سعی در پیشی گرفتن از همدیگر داشتند؛ و در آیه ای دیگر می فرماید فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ<sup>۷</sup> و معنای آن این است که از صراط بگذرید و آن را پشت سر بگذارید. استباق در این آیه مربوط به یک نفر است، به خلاف دو آیه پیشین که استباق در آنها به معنای مسابقه در یک موضوع مربوط به چند شخص می باشد»<sup>۸</sup>.

البته ممکن است ادّعا شود که متفاهم عرفی از استباق، در هر جا استعمال شود، مسابقه در یک موضوع مربوط به چند شخص است و اراده معنای سابقوا از آن به معنای ثلاثی مجرّد نیازمند قرینه است و در این آیه قرینه ای موجود نیست. البته در این صورت، مستدلّین به اراده وجوب فوری از اوامر مولی و شارع می توانند به آیه شریفه «سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ»<sup>۹</sup> استناد کنند<sup>۱۰</sup> که قطعاً به معنای «بادرُوا» است و هیچ تفاوتی با «سارعوا» در آیه مسارعه حتّی از نظر متعلّق هم ندارد و اثبات تمامیت دلالت آیه مسارعه بر فور، منتج تمامیت دلالت این آیه شریفه بر فور است.

علی ایّ حال، استدلال به آیه «سابقوا» با همان تقریبی که در گذشته مطرح شد، بلا اشکال است.

## «و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین»

۴ - یس/۶۶.

۵ - یوسف/۱۷.

۶ - یوسف/۲۵.

۷ - یس/۶۶.

۸ - ابن منظور در لسان العرب، جلد ۱۰، صفحه ۱۵۱ می گوید: «الأزهری: جاء الاشتقاق في كتاب الله تعالى بثلاثة معان مختلفة: أحدها قوله عز وجل: إِنَّا دَهَبْنَا نَسْتَبِقُ، قال المفسرون: معناه نَتَنَاضِلُ في الرمي، و قوله عز وجل: وَ اسْتَبَقَا الْبَابَ؛ معناه ابْتَدَرَا البابَ يَجْتهد كل واحد منهما أن يَسْبِقَ صاحبه، فإن سَبَقَهَا يوسفُ فتح الباب و خرج و لم يُجِبْهَا إلى ما طلبته منه، و إن سَبَقَتْ زَلِيخا أَغْلَقَتْ البابَ دونه لثراوده عن نفسه، و المعنى الثالث في قوله تعالى: وَ لَوْ نَشَاءُ لَكَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ؛ معناه فجازوا الصراط و خَلَفَوْه، و هذا الاشتقاق في هذه الآية من واحد و الوجهان الأولان من اثنين، لأن هذا بمعنى سَبَقُوا و الأولان بمعنى المُسَابَقَةِ».

۹ - حدید/۲۱.

۱۰ - همانطور که بسیاری از معاصرین، علاوه بر آیات مذکور، به بحث از این آیه نیز پرداخته اند. مثلاً الکافی فی اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۱۶۹، عمدة الاصول، جلد ۱، صفحه ۱۹۴ و تسدید الاصول، جلد ۱، صفحه ۱۷۲.